

شنبه • ۲۱ تیر ۱۳۹۳ • سال یازدهم • شماره ۲۰۶۲ • ۷		
روزنامه		
سیاست • ورزش		
برزیل – هلند؛ نمایش درد آوَر ۲۰۱۴		صفحه ۸
فان خال: بازی با برزیل بی‌عدالتی است		صفحه ۸
بهنام کامرانی: دانشجویانم را از مهاجرت منع می‌کنم		صفحه ۱۰

ادامه از صفحه ۴

مسیرهای رشد اقتصادی

لازمه این کار برخورداری مصرف‌کنندگان از «قدرتی» است که به لحاظ قانونی و اجرایی، مانع از شکل‌گیری انحصار شود. مراکزی که چنین تصمیماتی را می‌گیرند در همه‌جای دنیا، دولت‌ها و مجالس قانونگذاری و محاکم قضایی‌اند. مصرف‌کنندگان در دو حالت می‌توانند به این هدف دست پیدا کنند: حالت اول وقتی اتفاق می‌افتد که تصمیم‌گیرنده سیاسی یک ناظر «بی‌طرف» باشد، به این معنی که نسبت به پیامدهای بازتوزعی کارکردهای مختلف نهادهای اقتصادی خشنی باشد. اگر چنین پدیده‌ای امکان‌پذیر می‌بود، دادن آگاهی بیشتر و حساسیت شدیدتر همراه با توصیه‌های اخلاقی، می‌توانست کارساز باشد. اما در حالت دوم، مصرف‌کنندگان ترجیح می‌دهند در مسایلفای وارد شوند که برنده را تنها «تعداد» افراد تعیین می‌کند. در نظام سیاسی «هر نفر یک رای»، مسلماً، مصرف‌کننده بر انحصارگر غلبه خواهد کرد. بنابراین، دموکراسی را می‌توان یک نظام سیاسی بازتوزیع‌کننده دانست که برندگان آن اکثریت هستند. براساس این نظریه، انحصار سیاسی با انحصار اقتصادی و رقابت سیاسی با رقابت اقتصادی، لازم و ملزوم یکدیگر می‌شوند. کارکرد نهادهای سیاسی در این رویکرد، تعیین‌کننده اصلی چگونگی وضعیت رفاهی و توضیح‌دهنده پایهای چرایی تفاوت بین سطح رفاه جوامع مختلف خواهد بود. رویکردی که در کتاب عجم‌اوغلو و رایبسنسون (۲۰۱۰) توضیح داده می‌شود، بسیار بیش از آنکه دموکراسی را (دیکتاتوری) را به رشد اقتصادی پیوند بزند، به بازتوزیع مرتبط می‌کند و نهادهای سیاسی را نهادهای بازتوزیع‌کننده معرفی می‌کند.

شاید بتوان نگاه مبنایی‌تر و با رویکرد بلندمدت‌تر به چرایی تفاوت بین سطح رفاه جوامع را در عجم‌اوغلو و رایبسنسون (۲۰۱۲) در کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند» یافت. در کتاب قبلی عجم‌اوغلو و رایبسنسون (۲۰۱۰) ابزار تبیین موضوع، مدل‌های ریاضی مبتنی بر نظریه باز است و در جاهایی هم از مدل‌های اقتصادسنجی و استنتاجات آماری بهره گرفته می‌شود. اما در کتاب مذکور، رویکرد بیان موضوعات عمدتاً رویکرد تاریخی- تحلیلی در یک نك مقایسه‌ای بسیار بلندمدت در چارچوب نظریه اقتصاد سیاسی است. عجم‌اوغلو و رایبسنسون (۲۰۱۰) با ارایه شواهد تاریخی متدیده، همخوانی بالای بین نهادهای اقتصادی و نهادهای سیاسی را در تایید این فرضیه که نهادهای اقتصادی موابه را «ایجاد» می‌کنند و نهادهای سیاسی آنها را «توزیع» می‌کنند و در ایجاد موابه و توزیع آنها این توزیع است که تکلیف نهایی را مشخص می‌کند بیان می‌کنند. آنها با تفکیک نهادهای به دو دسته نهادهای فراگیر و نهادهای بهره‌کش، نشان می‌دهند که‌سورهایی که از موقعیت بهره‌مندی از نهادهای فراگیر برخوردارند می‌توانند به رشد‌های اقتصادی پایدار دست پیدا کنند و در مقابل، نهادهای بهره‌کش با رشد‌های اقتصادی پایدار سازگاری ندارند.

اگر نقطه شروع داستان توسعه علم اقتصاد در تبیین چرایی فقرمندان ملت‌هایی و ثروتمندشدن ملت‌هایی دیگر را سولو (۱۹۵۶) بدانیم، کتاب چرا ملت‌ها (کشورها) شکست می‌خورند را می‌توان آخرین حلقه موجود (و البته حتماً نه حلقه پایانی) از چرخه عمر این فرآیند ارزیابی کرد. درتیر، مسیر توسعه علم از بیان اولیه سولو تا به امروز، بسیار بیش از آنکه تغییر، باشد، تکمیل» شده است. از این نظر شاید بتوان مسیر توسعه داش در حوزه رشد اقتصادی را متفاوت از بسیاری حوزه‌های دیگر علم اقتصاد دانست که در آن، موارد «تغییر»، بیش از موارد «تکمیلی» بوده است. اگر مبنای نظریه رشد سولو را رشد تکنولوژی تعیین می‌کند، آنچه امروز را متفاوت از ۱۹۵۶ می‌سازد، توجه به ابعاد عمیق‌تر تحولات تکنولوژی است. همانطور که پل رومر تحلیل تحولات تکنولوژی را در سطح بنگاه و در جایگاه اقتصاد خرد مورد توجه قرار می‌دهد. عجم‌اوغلو و رایبسنسون (۲۰۱۲) هم به ابعاد اقتصاد سیاسی رشد تکنولوژی در چارچوب فرآیند «تخریب خلاقانه» می‌پردازند. تخریب خلاقانه منفعی را از بین می‌برد و منافع جدید را به وجود می‌آورد. ذی‌نفعان و متضررشوندگان تحولات تکنولوژی متفاوتند و تنها کشورهایی که مزیت‌دارد اقتصادی به ابعاد عمیق‌تر تحولات تکنولوژی است. همانطور که پل رومر تحلیل تحولات تکنولوژی را در سطح بنگاه و در جایگاه اقتصاد خرد مورد توجه قرار می‌دهد. عجم‌اوغلو و رایبسنسون (۲۰۱۲) هم به ابعاد اقتصاد سیاسی رشد تکنولوژی در چارچوب فرآیند «تخریب خلاقانه» می‌پردازند. تخریب خلاقانه منفعی را از بین می‌برد و منافع جدید را به وجود می‌آورد. ذی‌نفعان و متضررشوندگان تحولات تکنولوژی متفاوتند و تنها کشورهایی که مزیت‌دارد اقتصادی به ابعاد عمیق‌تر تحولات تکنولوژی است. همانطور که پل رومر تحلیل تحولات تکنولوژی را در سطح بنگاه و در جایگاه اقتصاد خرد مورد توجه قرار می‌دهد. عجم‌اوغلو و رایبسنسون (۲۰۱۲) برای دو دسته مخاطب، آموزنده و قابل استفاده است. گروه اول مخاطبان را کسانی تشکیل می‌دهند که با داش اقتصاد آشنایی دارند. این گروه گزاره‌های کتاب را در منظر علم اقتصاد مورد ارزیابی قرار می‌دهند. اما گروه دوم مخاطبان کتاب، همه علاقمندان غیرمتخصص هستند که می‌توانند براساس تجزیه و تحلیل‌های منطقی، از مطالب آن استفاده کنند. بنابراین این کتاب می‌تواند در کشور ما مخاطبان گسترده‌ای داشته باشد. هرچند خواندن کتاب به زبان اصلی را می‌توان به عنوان اولویت اصلی برای مخاطبان گروه اول توصیه کرد، اما خواندن نسخه ترجمه‌شده برای مخاطبان غیرمتخصص می‌تواند فراگیری گسترده‌تری از مخاطبان دانشی به ابعاد عمیق‌تر نسخه ترجمه‌شده کتاب به‌وسیله آقایان دکتر محسن میردامادی و حسین نعیمی‌پور متن شیوا و روانی دارد که می‌تواند به‌راحتی خواننده شود و یافته‌های کتاب را برای طیف گسترده‌ای از هموطنان قابل استفاده کند.

چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟	
دارون عجم اوغلو	
جیمز ای- رایبسنسون	
ترجمه: محسن میردامادی	
محمدحسین نعیمی‌پور	
مقاله متن: علیرضا بهشتی شیرازی	
ناشر: روزنه	
	



شنبه • ۲۱ تیر ۱۳۹۳ • سال یازدهم • شماره ۲۰۶۲ • ۷		
روزنامه		
سیاست • ورزش		
برزیل – هلند؛ نمایش درد آوَر ۲۰۱۴		صفحه ۸
فان خال: بازی با برزیل بی‌عدالتی است		صفحه ۸
بهنام کامرانی: دانشجویانم را از مهاجرت منع می‌کنم		صفحه ۱۰

ادامه از صفحه ۶

حساسیت مجلس هشتم در مورد کهریزک

۴ حوادثی که در «کهریزک» اتفاق افتاد، چه تبعات و آثاری داشت؟

حادثه «کهریزک» آسیب‌های زیادی را متوجه کشور کرد به‌طوری که رهبری هم به صراحت موضع خود را در ارتباط با رسیدگی به این مساله اعلام کردند. انتظار مردم این بود که عاملان این قضیه معرفی و محاکمه شوند و بررسی کمیته و گزارش باید به‌نوعی می‌بود که روند شکل‌گیری این حادثه و کسانی که در شکل‌گیری آن تأثیر داشتند، باید مشخص می‌شدند. در جریان بررسی این مساله متهمان هر کدام سعی در تبرئه خود داشتند که این امر طبیعی است چراکه همیشه متهمان درصد دفاع از خود برمی‌آیند. مرتضوی نیز در این جریان اتهامات وارده به خود را رد می‌کرد که در اینجا هنر قاضی باید خود را نشان دهد تا با پیگیری مدارک، اسناد و ادله به بررسی موضوع بپردازد و نقش متهمان را آشکار کند. به هر حال اتفاقاتی که در «کهریزک» افتاد، بسیار تأسف‌بار بود و باعث ناراحتی افکار عمومی شد. این حادثه که قصور عدای از افرادی که مسئولیت داشتند بود، نظام را در شرایط خاصی قرار داد. عده‌ای سعی داشتند این حادثه را به‌گونه‌ای دیگر جلوه دهند اما بیداری مردم و دخالت به‌موقع رهبری در دستوری که به بررسی این موضوع صادر کردند، باعث شد آن عده نتوانند به اهداف موردنظر خود برسند.

۴ اگر بخوایید درباره ماجرای «کهریزک»، پیشنهادی ارائه کنید.

افراد و مسئولاتی که اطلاعات دقیقی در این مورد دارند باید موضوع را پیگیری کنند تا حق در این مورد روشن شده و تمامی عوامل و مقصران به سزای خود برسند تا مانع تکرار حوادث اینچنینی شویم.

دادگاه کهریزک غیر علنی اما بی نظیر

رییس و مستشاران شعبه ۷۶ دادگاه کیفری ۱ تهران به‌صورت شایسته و بایسته متهمان را در چارچوب کیفرخواست صادره محاکمه کردند؛محاکمه‌ای که‌هرچند به‌صورت غیرعلنی بر گزار شد ولی در نوع خود بی‌نظیر بود. هم عبرت و هم درسی بود برای متهمان که چگونه یک دادگاه واقعی و رییس دادگاه شأن و هیمنه قضایی خود را حفظ کرده و به حقوق متهم هم احترام می‌گذارند. هرچند نتیجه دادرسی و حکم صادره به علت تعدد قضات و آرای مختلف آنان منطبق با خواست شکات و افکار عمومی نبود و البته در دیوانعالی کشور در حال رسیدگی است، ولی همین تلاش برای اجرای عدالت و جلوگیری از به‌وجودآمدن حیاط‌خلسوت برای عده‌ای از اختیارات قانونی خود سوءاستفاده کرده بودند نشان داد که به گفته استاد محمدرضا شفیعی‌کدکنی:

«چون روح بهاران آید از آفتابی شهر،	
مردها جوشد از خاک،	
آن سان که از باران گیاه؛	
و آنچه می‌باید کنون صبر مردان و	
دل‌امیدواران بآیدش آ ^۱	
۲-و شعر از استاد شفیعی کدکنی	



عکس: آرجین رهبر، شرق

واقعه‌ای که ۵ ساله شد

«کهریزک» کجاست؟ آخر دنیا!

اختیار را داشته که راسا خودش برگه مرخصی‌اش را امضا کند. همان‌گونه که شخصاً دستور اعزام به «کهریزک» داده بود.

همان روز روح‌الامینی به خبرنگاران گفت: «حیلی جالب است در بحرانی‌ترین شرایط تیرماه۸۸ کسی برای دفاع از پایان‌نامه‌اش مرخصی می‌گیرد، در حالی که بچه‌های ما در حال مرگ بودند. احتمالاً فرزندان ما با «شهاب‌سنگ» یا زلزله کشته‌شده‌اند.»

«مرتضوی» در جلسه سوم دادگاه ادعا کرد بازداشتگاه «کهریزک» فقط برای ارانل‌اوپاش نبوده. این در حالی بود که گزارش کمیته ویژه مجلس درباره «کهریزک» در سال۸۸ روایت دیگری از واقعیت داشت. بر اساس گزارش کمیته ویژه مجلس، در تاریخ سی‌ام فروردین سال ۸۸ فرماندهی انتظامی تهران بزرگ طی نامه‌ای خطاب به دادستان وقت عمومی و انقلاب تهران متذکر شده بود که: «برابر تألییر زندان «کهریزک» جهت نگهداری ارانل‌اوپاش و موافدوشران ساماندهی شده است.» این در حالی بوده که دادسراهای نواحی مختلف تهران

بسیاری از متهمانی که میزان کشفیات موادمخدر آنها فقط چندگرم است را به زندان «کهریزک» معرفی می‌کردند. برای همین فرماندهی انتظامی تهران خواسته بود مراتب را به تمامی دادسراهای تهران ابلاغ شود.

«علی‌اکبر حیدری‌فر» هم مدعی شد «بازداشتگاه «کهریزک» تحت‌نظارت سازمان زندان‌ها بوده و این سازمان در انجام وظیفه خود مبنی بر نظارت بر بازداشتگاه «کهریزک» مرکب تخلّف شده» او سعی کرد به ماجرا رنگ‌بویی سیاسی هم دهد برای همین گفت: «افتتاح این بازداشتگاه با دستور آقای «موسوی‌رای» و به نوعی دسته‌گل اصلاحات بوده است.» این در حالی بود که قائممقام رییس کل دادگستری استان تهران از این بازداشتگاه بوده‌اند، جملگی به دستور رسیدگی به وضعیت آن توسط آیینل‌الله‌شاه‌رودی در سال ۸۶ خبر داده بود، «حمید درخشان‌نیا» گفته بود: «طبق مدارک و مستندات مربوط به بازدید برخی از اعضای هیات نظارت بر حفظ حقوق شهروندی دادگستری استان تهران که در ششم‌آبان سال ۸۶ از بازداشتگاه «کهریزک» صورت گرفته، نشان می‌دهد اعضای این هیات که اتفاقاً معاونان دادستان عمومی و انقلاب تهران هم در زمره اعضای بازدیدکننده از این بازداشتگاه بوده‌اند، جملگی به غیراستانداردبودن و نبود مجوز قانونی برای تاسیس این بازداشتگاه توسط سازمان زندان‌های کشور تأکید داشته‌اند.»

فراقتنی‌ها البته متنوع بوده؛ مثلاً «مرتضوی» گناه کشته‌شدگان را گردن خانواده‌ها انداخت و در پایان جلسه سوم خطاب به خبرنگاران گفت سوال من از آقای روح‌الامینی این است که شما می‌گویید ما باید مسئولیت بپذیریم آیا شما مسئولیت پدری و مواظبت از فرزندان را می‌پذیرید؟ حاضران در دادگاه معتقد بودند که «مرتضوی» بیش از اندازه وقت دادگاه را می‌گیرد و هربار هم همان حرف‌های قبل را تکرار می‌کند. تا جایی که «صالح نیکیخت» وکیل خانواده «جوادی‌فر» در پایان جلسه هفتم به خبرنگاران می‌گوید: «آقای مرتضوی همچنان فکر می‌کند دادستان است و بیشترین وقت دفاع را از دادگاه می‌گیرد.»

شاهدان در دادگاه
در طول بر گزاری دادگاه هفت‌شاهد احضار شدند. اگرچه «روح‌الامینی» گفته بود «مصطفی پورمحمدی»، «محسنی‌زاده» و «دری نجف‌آبادی» را به‌عنوان شاهد به دادگاه معرفی کرده است. اما آنها هیچ‌گاه به دادگاه فراخوانده نشدند. به جای آنها «اسلازکیا»، معاون وقت نظارت بر زندان‌های تهران، «سهراب سلیمانی»، مدیرکل وقت زندان‌های استان تهران، سرهنگ فلاح، معاون بازرسی قاتب و چهار متهم بازداشتی «کهریزک» به‌عنوان مطلع در دادگاه حاضر شدند. مدیرکل سازمان زندان‌های استان تهران هم در جلسه دادگاه بر قانونی‌نبودن بازداشتگاه «کهریزک» تأکید کرد. جلسه دهم اما شگفتی‌ساز بود، در حالی که دادگاه می‌رفت که به پایان برسد، با اعلام گذشت و رضایت خانواده جوادی‌فر از «سعید مرتضوی» همه در شوک فروروفتند. «صالح نیکیخت» همان زمان گفت: «من مطلقاً در جریان اعلام رضایت آقای جوادی‌فر نبودم ولی از حدود دوماه قبل آقای جوادی‌فر چندبار به من گفت اجازه دهید جلسه‌ای با حضور شما و سعید مرتضوی در خانه من یادداشت شما بگذاریم که من با این پیشنهاد موافقت نکرده» آنطور که وکلای دیگر خانواده‌ها هم بعداً اعلام کردند «مرتضوی» بارها درخواست ملاقات و دیدار با آنها را با هدف گرفتن رضایت داشته است. در نهایت اینکه با پایان یافتن دادگاه قضات «کهریزک» در اول خرداد سال ۹۲، رای اولیه دادگاه سماء بعد صادر شد اما مراجع قضایی اجازه انتشار رسمی رای را در رسانه‌ها ندادند.

گفته شد حق تجدیدنظرخواهی برای شاکیان و متشاکفی محفوظ است. هر دو اعتراض کردند و پرونده به دیوانعالی رفت. با گذشت نزدیک به یک‌سال از ارجاع پرونده به دیوان اما هنوز خبری از اعلام رای نهایی نیست. این در حالی است که پرونده قضات «کهریزک» هنوز کاملاً بسته نشده است. عنوان اتهامی معاونت در قتل برای«مرتضوی» تنها در دادخواست خانواده «کامرانی» رسیدگی شده بود. حالا خانواده «روح‌الامینی» شکایت جدیدی تحت همین عنوان اتهامی از «مرتضوی» ضمیمه پرونده قبلی، طرح کرده و با پایان مراحل بازپرسی، منتظر ارجاع آن از دادسرا به دادگاه هستند.

سال و بعد دادگاه قضایی خاظمی سه‌سال بعد در اسفند ۹۱. دادگاه نخست به ریاست قاضی مصدق در ۱۸اسفند۸۸ درست هشتماه بعد از ۱۸تیر بر گزار شد. نام مسوولان و ماموران انتظامی از رده‌های بالای انتظامی تا پایین در پرونده آمده بود که مورد بازخواست قرار گرفته بودند. برخی تبرئه و برخی محکوم شدند. در دادگاه نخست تعداد شاکیان زیاد بود. با این حال از میان نزدیک به یکصد شاکی، نیمی با مراجعه به استانداری تهران و اخذ خسارت مادی رضایت دادند. خانواده‌های کشته‌شدگان اما درخواست قصاص کردند.

دادگاه هم با توجه به تحقیقات و گفتار شاهدان رفتار برخی ماموران را مصداق قتل‌عمد تشخیص داده و برای سمنفر حکم اعدام صادر شد و برای دیگران احکام حبس، خانواده‌ها اما بعداً از خواسته خود اعلام گذشت کردند و محکومان از اعدام رهیچند.

دادگاه کیفری

برای «سعید مرتضوی» دادستان وقت تهران، «علی‌اکبر حیدری‌فر» دادیار و «حسن حداددهنوی» معروف به‌قاضی «حداد» معاون امنیت‌وقت دادستان تهران که هر سه از قضاتو معلق‌شده بودند، دادگاه دیگری با پرونده‌ای سه‌هزارو ۵۰۰ صفحه‌ای در ۱۷جلد تشکیل شد. شاکیان هم خانواده سه درگذشته جنایت محکوم «کهریزک» بودند. نخستین جلسه دادگاه هشتم‌اسفند۹۱ آغاز شد و اول‌خرداد ۹۲ بعد از ۱۱جلسه پایان یافت. دادگاه قرار بود علنی برگزار شود اما یک‌روز قبل، «سیامک مدیرخراسانی» رییس شعبه ۷۶دادگاه‌کیفری استان تهران اعلام کرد دادگاه غیرعلنی است. بنابراین متهمان و شکات حق اعلام محتویات دادگاه را نداشتند. این ممنوعیت اما از همان ابتدا توسط متهمان شکسته شد. تازده عمق واقعه مشخص شد. معلوم شد که بازداشت‌شدگان هنگام پذیرش در «کهریزک» توسط افسر نگهدارن وقت با لوله PVC مورد ضرب‌وجرح قرار گرفته و به آنها فحاشی شده است. متهمان در انتظار عمومی موردتوین‌های مختلف از نوع پوشش تا موضوعات دیگر واقع شده بودند. ۱۲۳نفر بازداشتی را در قرنطینه‌ای به مساحت حداکثر ۶۵متر به اضافه ۳۷نفر ارانل‌اوپاش، یعنی ۱۶۰نفر جا داده بودند، در حالی‌که جای کافی برای نشستن وجود نداشته.

منئزیت؟
«محسن روح‌الامینی»، «محمد کامرانی» و «امیرجوادی‌فر» سه‌بازداشتی‌ای بودند که در همان روزها و بر اثر شدت جراحات و عفونت فوت می‌کنند. اما در نامه‌ای که مسوولان بازداشتگاه درباره علت فوت این سه‌نفر خطاب به دادستان عمومی تهران می‌نویسند، علت فوت، «منئزیت» اعلام می‌شود. در متن نامه آمده است: «محسن روح‌الامینی بعد از تحویل به زندان اوین در جمع سایر متهمان در قرنطینه دچار تشنج شده و توسط بهداری زندان به بیمارستان مهر، شهدای تجریش منتقل می‌شود. بنا به تشخیص هر سه بیمارستان مهر، شهدای تجریش و لقمان هر سه متهم (امیر جوادی‌فر، محمد کامرانی و محسن روح‌الامینی) در اثر ابتلا به بیماری منئزیت فوت کرده‌اند و علت فوت آنها بیماری مذکور تشخیص و اعلام شده است. بهداری زندان ۲۱۰«کهریزک» نیز در خصوص تشخیص علت اولیه فوت متهم «جوادی‌فر» مشکل تنفسی و منئزیت و همچنین ایست قلبی اعلام کرده است.» در این نامه تأکید شده بود که: «هیچ‌گونه ضرب‌وشتمی در خصوص متهمان در زندان صورت نگرفته است.» نکته جالب در ماجرا این بود که نه پزشک وظیفه شاغل در بهداری و نه رییس بهداری «قاتب» هیچ‌کدام حاضر به تأیید و امضای این گزارش نشده بودند و متهمان دادگاه انتظامی «کهریزک» مدعی شدند متن این گزارش خلاف واقع توسط دادستان تهران «سعید مرتضوی» به آنان داده شده و«مرتضوی» از آنان خواسته که چنین گزارشی را بنابر مصلحت به دادستان عمومی تهران ارائه کنند. همین اعتراف بعداً تحت عنوان «معاونت در تنظیم گزارش خلاف واقع از طریق امری ترغیب ماموران مربوطه به تنظیم گزارش خطاب به خود» در کیفرخواست قضات «کهریزک» در کنار دو‌عنوان اتهامی دیگر یعنی «مشارکت در بازداشت غیرقانونی» و «معاونت در قتل» جزو موارد اتهامی عنوان شده بود. سردار احدی،مقدم، فرمانده هم بعداً در گفت‌وگویی فاش کرد انتقال بازداشتی‌های حوادث۸۸ به «کهریزک» با اصرار «سعید مرتضوی» بوده است. علت مرگ سه‌هوان در حالی صدمات و جراحات واردشده بر بدن ۲۲ساعت قبل از فوت و عفونی‌شدن بدن اعلام شده بود که از سوی مراجع و مقامات بالاتر در طول آن چند روز کرارا به دادستان تهران تکلیف شده بوده که هر چه زودتر بازداشتی‌ها از «کهریزک» به اوین منتقل شوند، به احتمال قوی در صورت انتقال، هیچ‌کدام فوت نمی‌شدند. اگرچه «سعید مرتضوی» مدعی شده بود عدم انتقال به اوین به علت محدودیت جا بوده اما در گزارش کمیته ویژه مجلس درباره «کهریزک» آمده بود در جلسه‌ای که هیات مذکور با مسوولان زندان اوین و قاضی حداد، معاون وقت امنیت دادستانی تهران داشتند، مسوولان اوین اذعان کرده بودند انتقال بازداشت‌شدگان ۱۸تیر به بهانه فقدان جا و ظرفیت در زندان اوین مطلب صحیحی نیست. زندان اوین کاملاً آمادگی پذیرش آن بازداشت‌شدگان را داشته است.

«محسن روح‌الامینی»، «محمد کامرانی» و «امیرجوادی‌فر» سه‌بازداشتی‌ای بودند که در همان روزها و بر اثر شدت جراحات و عفونت فوت می‌کنند. اما در نامه‌ای که مسوولان بازداشتگاه درباره علت فوت این سه‌نفر خطاب به دادستان عمومی تهران می‌نویسند، علت فوت، «منئزیت» اعلام می‌شود. در متن نامه آمده است: «محسن روح‌الامینی بعد از تحویل به زندان اوین در جمع سایر متهمان در قرنطینه دچار تشنج شده و توسط بهداری زندان به بیمارستان مهر، شهدای تجریش منتقل می‌شود. بنا به تشخیص هر سه بیمارستان مهر، شهدای تجریش و لقمان هر سه متهم (امیر جوادی‌فر، محمد کامرانی و محسن روح‌الامینی) در اثر ابتلا به بیماری منئزیت فوت کرده‌اند و علت فوت آنها بیماری مذکور تشخیص و اعلام شده است. بهداری زندان ۲۱۰«کهریزک» نیز در خصوص تشخیص علت اولیه فوت متهم «جوادی‌فر» مشکل تنفسی و منئزیت و همچنین ایست قلبی اعلام کرده است.» در این نامه تأکید شده بود که: «هیچ‌گونه ضرب‌وشتمی در خصوص متهمان در زندان صورت نگرفته است.» نکته جالب در ماجرا این بود که نه پزشک وظیفه شاغل در بهداری و نه رییس بهداری «قاتب» هیچ‌کدام حاضر به تأیید و امضای این گزارش نشده بودند و متهمان دادگاه انتظامی «کهریزک» مدعی شدند متن این گزارش خلاف واقع توسط دادستان تهران «سعید مرتضوی» به آنان داده شده و«مرتضوی» از آنان خواسته که چنین گزارشی را بنابر مصلحت به دادستان عمومی تهران ارائه کنند. همین اعتراف بعداً تحت عنوان «معاونت در تنظیم گزارش خلاف واقع از طریق امری ترغیب ماموران مربوطه به تنظیم گزارش خطاب به خود» در کیفرخواست قضات «کهریزک» در کنار دو‌عنوان اتهامی دیگر یعنی «مشارکت در بازداشت غیرقانونی» و «معاونت در قتل» جزو موارد اتهامی عنوان شده بود. سردار احدی،مقدم، فرمانده هم بعداً در گفت‌وگویی فاش کرد انتقال بازداشتی‌های حوادث۸۸ به «کهریزک» با اصرار «سعید مرتضوی» بوده است. علت مرگ سه‌هوان در حالی صدمات و جراحات واردشده بر بدن ۲۲ساعت قبل از فوت و عفونی‌شدن بدن اعلام شده بود که از سوی مراجع و مقامات بالاتر در طول آن چند روز کرارا به دادستان تهران تکلیف شده بوده که هر چه زودتر بازداشتی‌ها از «کهریزک» به اوین منتقل شوند، به احتمال قوی در صورت انتقال، هیچ‌کدام فوت نمی‌شدند. اگرچه «سعید مرتضوی» مدعی شده بود عدم انتقال به اوین به علت محدودیت جا بوده اما در گزارش کمیته ویژه مجلس درباره «کهریزک» آمده بود در جلسه‌ای که هیات مذکور با مسوولان زندان اوین و قاضی حداد، معاون وقت امنیت دادستانی تهران داشتند، مسوولان اوین اذعان کرده بودند انتقال بازداشت‌شدگان ۱۸تیر به بهانه فقدان جا و ظرفیت در زندان اوین مطلب صحیحی نیست. زندان اوین کاملاً آمادگی پذیرش آن بازداشت‌شدگان را داشته است.		
---	--	--

علت مرگ سه‌هوان در حالی صدمات و جراحات واردشده بر بدن ۲۲ساعت قبل از فوت و عفونی‌شدن بدن اعلام شده بود که از سوی مراجع و مقامات بالاتر در طول آن چند روز کرارا به دادستان تهران تکلیف شده بوده که هر چه زودتر بازداشتی‌ها از «کهریزک» به اوین منتقل شوند

در جلسه دوم دادگاه «علی‌اکبر حیدری‌فر» به‌نگاه در نقش ناجی ظاهر شد و همه اتهامات را گردن گرفت و به خبرنگاران گفت دستور انتقال بازداشت‌شدگان به «کهریزک» را او صادر کرده و «سعید مرتضوی» دادستان وقت تهران در این زمینه نقشی نداشته است. این درحالی بود که کمیته ویژه مجلس در رسیدگی به حوادث بازداشتگاه «کهریزک» در گزارش خود آقای مرتضوی را متهم کرده بود که در مورد علت انتقال بازاشت‌شدگان اعتراضات ۱۸ تیر سال۱۳۸۸ به بازداشتگاه «کهریزک» و همچنین دلیل مرگ تعدادی از آنها «خلاف‌گویی» کرده است. «مرتضوی» همچنان مدعی بود در آن روزها مشغول دفاع از پایان‌نامه خود بوده و در مرخصی بهسر می‌برده است. او گفت به همین علت اتهام مشارکت، خلاف موازین حقوقی و قضایی است چراکه مشارکت را به کسی نسبت می‌دهند که در عملیات اجرایی و عنصر مادی دخالت و شرکت داشته باشد. این گفته مرتضوی در حالی است که سایت «خبرآنلاین» ۲۳دی۸۸ در گزارشی با تیتَر قاضی مرتضوی ۲۰تیرماه کجا بود؟ پرسید: «راستی اگر مرتضوی درست گفته باشد و واقعا این دو روز را مرخصی بوده، چه کسی امضایش پای برگه مرخصی استحقاقی او آمده است؟ به‌لحاظ تشریفات اداری مقام مافوق او برای اخذ مرخصی که بوده؟ شاید هم او این

	
مهسا حزینی	

«اینجا کجاست؟»، «کهریزک»، «کهریزک»، «کهریزک» کجاست؟ آخردنيا». «غذا خوب است؟؛ بله قربان» «راضی هستید؟؛ بله قربان» این جملات برایشان آشناست آنها که در سال‌های نه‌چندان دور پایشان به بازداشتگاهی در شهرسنگ از توابع شهرری، معروف به سوله «کهریزک» پا شده بود؛ بازداشتگاهی که پنج‌سال پیش، بعد از انتشار اخبار فجایع رخ‌داده در آن، به دستور مقام‌مظهر رهبری تعطیل شد.

در سوله «کهریزک»

تا پیش از ورود بازداشتی‌های خرداد و تیر ۸۸ کسی حتی نام این بازداشتگاه را هم نشنیده بود. اما آنها که آزاد شدند خبرها هم کم‌کم به بیرون درز کرد. ابتدا دستور تعطیلی آن صادر شد و بعد هم هیات نظارت و بازرسی حقوق شهروندی دادگستری استان تهران گزارشی از ماجرا تهیه کرد. ابتدا پرونده‌ای در دادسرای نظامی تشکیل و بازرسی کل ناجا مامور تحقیق شد. در مجلس هم کمیته‌ای مسوول تحقیق‌وتقصض از موضوع شد. ماجرای دردناک این بود که «کهریزک» قربانی داده بود. سه‌نفر از بازداشت‌شدگان، کشته شده بودند و تعداد زیادی هم شاهد و هم شاکی رفتارهایی بودند که بر سرشان رفته بود. با آغاز تحقیقات تازه عمق واقعه مشخص شد. معلوم شد که بازداشت‌شدگان هنگام پذیرش در «کهریزک» توسط افسر نگهدارن وقت با لوله PVC مورد ضرب‌وجرح قرار گرفته و به آنها فحاشی شده است. متهمان در انتظار عمومی موردتوین‌های مختلف از نوع پوشش تا موضوعات دیگر واقع شده بودند. ۱۲۳نفر بازداشتی را در قرنطینه‌ای به مساحت حداکثر ۶۵متر به اضافه ۳۷نفر ارانل‌اوپاش، یعنی ۱۶۰نفر جا داده بودند، در حالی‌که جای کافی برای نشستن وجود نداشته.

منئزیت؟
«محسن روح‌الامینی»، «محمد کامرانی» و «امیرجوادی‌فر» سه‌بازداشتی‌ای بودند که در همان روزها و بر اثر شدت جراحات و عفونت فوت می‌کنند. اما در نامه‌ای که مسوولان بازداشتگاه درباره علت فوت این سه‌نفر خطاب به دادستان وقت تهران می‌نویسند، علت فوت، «منئزیت» اعلام می‌شود. در متن نامه آمده است: «محسن روح‌الامینی بعد از تحویل به زندان اوین در جمع سایر متهمان در قرنطینه دچار تشنج شده و توسط بهداری زندان به بیمارستان مهر، شهدای تجریش منتقل می‌شود. بنا به تشخیص هر سه بیمارستان مهر، شهدای تجریش و لقمان هر سه متهم (امیر جوادی‌فر، محمد کامرانی و محسن روح‌الامینی) در اثر ابتلا به بیماری منئزیت فوت کرده‌اند و علت فوت آنها بیماری مذکور تشخیص و اعلام شده است. بهداری زندان ۲۱۰«کهریزک» نیز در خصوص تشخیص علت اولیه فوت متهم «جوادی‌فر» مشکل تنفسی و منئزیت و همچنین ایست قلبی اعلام کرده است.» در این نامه تأکید شده بود که: «هیچ‌گونه ضرب‌وشتمی در خصوص متهمان در زندان صورت نگرفته است.» نکته جالب در ماجرا این بود که نه پزشک وظیفه شاغل در بهداری و نه رییس بهداری «قاتب» هیچ‌کدام حاضر به تأیید و امضای این گزارش نشده بودند و متهمان دادگاه انتظامی «کهریزک» مدعی شدند متن این گزارش خلاف واقع توسط دادستان تهران «سعید مرتضوی» به آنان داده شده و«مرتضوی» از آنان خواسته که چنین گزارشی را بنابر مصلحت به دادستان عمومی تهران ارائه کنند. همین اعتراف بعداً تحت عنوان «معاونت در تنظیم گزارش خلاف واقع از طریق امری ترغیب ماموران مربوطه به تنظیم گزارش خطاب به خود» در کیفرخواست قضات «کهریزک» در کنار دو‌عنوان اتهامی دیگر یعنی «مشارکت در بازداشت غیرقانونی» و «معاونت در قتل» جزو موارد اتهامی عنوان شده بود. سردار احدی،مقدم، فرمانده هم بعداً در گفت‌وگویی فاش کرد انتقال بازداشتی‌های حوادث۸۸ به «کهریزک» با اصرار «سعید مرتضوی» بوده است. علت مرگ سه‌هوان در حالی صدمات و جراحات واردشده بر بدن ۲۲ساعت قبل از فوت و عفونی‌شدن بدن اعلام شده بود که از سوی مراجع و مقامات بالاتر در طول آن چند روز کرارا به دادستان تهران تکلیف شده بوده که هر چه زودتر بازداشتی‌ها از «کهریزک» به اوین منتقل شوند، به احتمال قوی در صورت انتقال، هیچ‌کدام فوت نمی‌شدند. اگرچه «سعید مرتضوی» مدعی شده بود عدم انتقال به اوین به علت محدودیت جا بوده اما در گزارش کمیته ویژه مجلس درباره «کهریزک» آمده بود در جلسه‌ای که هیات مذکور با مسوولان زندان اوین و قاضی حداد، معاون وقت امنیت دادستانی تهران داشتند، مسوولان اوین اذعان کرده بودند انتقال بازداشت‌شدگان ۱۸تیر به بهانه فقدان جا و ظرفیت در زندان اوین مطلب صحیحی نیست. زندان اوین کاملاً آمادگی پذیرش آن بازداشت‌شدگان را داشته است.

درگاه نظامی
«محسن روح‌الامینی»، «محمد کامرانی» و «امیرجوادی‌فر» سه‌بازداشتی‌ای بودند که در همان روزها و بر اثر شدت جراحات و عفونت فوت می‌کنند. اما در نامه‌ای که مسوولان بازداشتگاه درباره علت فوت این سه‌نفر خطاب به دادستان عمومی تهران می‌نویسند، علت فوت، «منئزیت» اعلام می‌شود. در متن نامه آمده است: «محسن روح‌الامینی بعد از تحویل به زندان اوین در جمع سایر متهمان در قرنطینه دچار تشنج شده و توسط بهداری زندان به بیمارستان مهر، شهدای تجریش منتقل می‌شود. بنا به تشخیص هر سه بیمارستان مهر، شهدای تجریش و لقمان هر سه متهم (امیر جوادی‌فر، محمد کامرانی و محسن روح‌الامینی) در اثر ابتلا به بیماری منئزیت فوت کرده‌اند و علت فوت آنها بیماری مذکور تشخیص و اعلام شده است. بهداری زندان ۲۱۰«کهریزک» نیز در خصوص تشخیص علت اولیه فوت متهم «جوادی‌فر» مشکل تنفسی و منئزیت و همچنین ایست قلبی اعلام کرده است.» در این نامه تأکید شده بود که: «هیچ‌گونه ضرب‌وشتمی در خصوص متهمان در زندان صورت نگرفته است.» نکته جالب در ماجرا این بود که نه پزشک وظیفه شاغل در بهداری و نه رییس بهداری «قاتب» هیچ‌کدام حاضر به تأیید و امضای این گزارش نشده بودند و متهمان دادگاه انتظامی «کهریزک» مدعی شدند متن این گزارش خلاف واقع توسط دادستان تهران «سعید مرتضوی» به آنان داده شده و«مرتضوی» از آنان خواسته که چنین گزارشی را بنابر مصلحت به دادستان عمومی تهران ارائه کنند. همین اعتراف بعداً تحت عنوان «معاونت در تنظیم گزارش خلاف واقع از طریق امری ترغیب ماموران مربوطه به تنظیم گزارش خطاب به خود» در کیفرخواست قضات «کهریزک» در کنار دو‌عنوان اتهامی دیگر یعنی «مشارکت در بازداشت غیرقانونی» و «معاونت در قتل» جزو موارد اتهامی عنوان شده بود. سردار احدی،مقدم، فرمانده هم بعداً در گفت‌وگویی فاش کرد انتقال بازداشتی‌های حوادث۸۸ به «کهریزک» با اصرار «سعید مرتضوی» بوده است. علت مرگ سه‌هوان در حالی صدمات و جراحات واردشده بر بدن ۲۲ساعت قبل از فوت و عفونی‌شدن بدن اعلام شده بود که از سوی مراجع و مقامات بالاتر در طول آن چند روز کرارا به دادستان تهران تکلیف شده بوده که هر چه زودتر بازداشتی‌ها از «کهریزک» به اوین منتقل شوند، به احتمال قوی در صورت انتقال، هیچ‌کدام فوت نمی‌شدند. اگرچه «سعید مرتضوی» مدعی شده بود عدم انتقال به اوین به علت محدودیت جا بوده اما در گزارش کمیته ویژه مجلس درباره «کهریزک» آمده بود در جلسه‌ای که هیات مذکور با مسوولان زندان اوین و قاضی حداد، معاون وقت امنیت دادستانی تهران داشتند، مسوولان اوین اذعان کرده بودند انتقال بازداشت‌شدگان ۱۸تیر به بهانه فقدان جا و ظرفیت در زندان اوین مطلب صحیحی نیست. زندان اوین کاملاً آمادگی پذیرش آن بازداشت‌شدگان را داشته است.